یادداشت

جام جهانی در آفریقا یک گاف بزرگ بود نه یک اشتباه

علیرضا رئیسیان

۱ فوتبال یکی از مسائل مهم زندگی من است، اما نه فقط به این دلیل که زمانی خودم فوتبالیست بودم. فوتبال را به شدت دوست دارم اما نه فقط به این دلیل که پیش از انقلاب در لیگ دسته دوم تخت جمشید و در یک تیم دسته اول بازی می‌کردم، فوتبال برایم قابل ستایش است به خاطر اینکه اعتقاد دارم فوتبال یک نمایش زنده پرقدرت است و از جهاتی شباهت زیادی با سینما و تئاتر دارد. امروزه می‌بینیم که در جهان، ستارگان سینما جای خود را به ستارگان فوتبال داده‌اند و این به خاطر زنده بودن و جذابیت‌های بصری است که این ورزش مهیج پیدا کرده و تکنولوژی آن را جذاب‌تر هم کرده است. ما نوعی از تصویربرداری و کارگردانی را مشاهده می‌کنیم که از لحاظ کیفیتی فاصله‌ای با سینمای روز ندارد. حتی پرده سالن‌های سینما جای خود را به فوتبال قرض داده‌اند. فوتبال از چند عنصر توانسته به خوبی بهره ببرد و یکی از آن عناصر روحیه جنگندگی و مقاومت است.

۲ تعریف من از جام جهانی پدید آمدن یک روحیه دسته‌جمعی برای رسیدن به یک هدف مشترک است. در این فرآیند تعصب ملی و نژادی، سیاسی و فرهنگی- اجتماعی به وضوح پیداست. آنچه در فوتبال (جام جهانی) اهمیت دارد به وجود آمدن یک «روحیه همبستگی» و «تلاش برای پیروزی» یکسان در فرهنگ‌ها و احزاب گوناگون است.

۳ جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی، جام جهانی غیرمنتظره‌ای بود. چندین تیم مهم و قدرتمند در همان مرحله اول حذف شدند و تیم‌هایی به مرحله دوم صعود کردند که هیچ‌گاه موقعیت موفقیت برای آنها پیش‌بینی و تصور نمی‌شد (البته به جز تیم آلمان). به طور مثال تیم ملی هلند تنها دو نایب قهرمانی در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸در کارنامه خود داشت و اسپانیا سال ۱۹۵۰ در مرحله نیمه‌نهایی (که به صورت دوره‌ای برگزار شد) بین چهار تیم مقام چهارم را کسب کرده بود. جام جهانی ۲۰۱۰ به خاطر جنبه‌های نمایشی‌اش غیرمنتظره بود و ما پخش تلویزیونی متفاوتی را تجربه کردیم. بحث داوری پررنگ و پرحاشیه یکی دیگر از دلایل غیرمنتظره بودن جام جهانی ۲۰۱۰ بود. این جام جهانی غیرمنتظره حتی به تیم میزبان هم رحم نکرد و این تیم به مرحله دوم نرسید. از همه چیز غیرمنتظره‌تر غروب زودهنگام ستاره‌های بزرگ بود.

۴ دیدار نهایی، جنگ میان ظرافت‌های تکنیکی، تاکتیکی فوتبال و خشونت و حس جنگندگی بود. اوج ظرافت تاکتیکی دیدار فینال، تیم اسپانیا بود. این تیم هفت بازیکن از بارسلونا در اختیار داشت و به اعتقاد من اگر «مسی» هم در جمع این تیم حضور داشت ما شاهکاری بزرگ‌تر در فینال مشاهده می‌کردیم.

۵ برگزاری مسابقات جام جهانی در برزیل یک گاف بزرگ است نه یک اشتباه. متاسفانه مسوولان فیفا (فدراسیون بین‌المللی فوتبال) به موقعیت جغرافیایی برزیل در سال ۲۰۱۴ دقت نکردند. توجه نکردن به نیمکره جنوبی بودن آفریقای جنوبی و تکرار هوای سرد زمستانی در برزیل به نظر من یک گاف است.

۶ حس «زنده بودن» مهم‌ترین عنصر فوتبال است که در لحظه منتقل می‌شود. تمام هیجان فوتبال به سنتی بودن آن است. من با ورود تکنولوژی به فوتبال مخالف هستم. بهتر است ذات فوتبال را با معادلات پیچیده ریاضی و دستگاه‌های عجیب و غریب به هم نزنیم یا با وارد کردن خرافات و حیوانات، جادوگران و... به ذات اصلی فوتبال خیانت نکنیم چراکه فوتبال فقط شانس است، فقط شانس.

۷ در طول جام جهانی من مارادونا را تنها یک «شومن» می‌دیدم و هیچ المانی از یک سرمربی در او یافت نکردم. به اعتقاد من مارادونا ضربه مهلکی به آرژانتین زد و شاید او در حوزه سینما موفق‌تر می‌شد. با این حال حذف شدن آرژانتین برای همه ملت‌ها یک درس بزرگ بود. حضور گسترده مردم و استقبال آنها از یک تیم شکست‌خورده، این پیام را القا کرد که سرمایه‌های ملی و ماندگاری آنها ناشی از رفتارهای آن ملت است.

پل کبیر
جام نوزدهم ستاره

پل پیشگو با پیش‌بینی درست بازی‌های اسپانیا در نیمه‌نهایی و فینال جام جهانی به محبوبیتی باورنکردنی در بین ماتادورها دست پیدا کرده، باغ‌وحشی در مادرید به دنبال این است به‌هر قیمتی که شده پل را از آلمانی‌ها بخرد و به پایتخت اسپانیا بیاورد.

نیلوفر رادگودرزی

جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی نه‌تنها بر اساس نتیجه بازی‌هایش جام شگفتی‌ها نام گرفت و با حذف تیم‌های بزرگی چون ایتالیا، فرانسه و انگلستان همه را حیرت زده کرد بلکه بازار داغ پیش‌بینی‌های نتیجه بازی‌ها هم در این دوره از جام رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت. علاقه‌مندان به فوتبال در سرتاسر دنیا بر سر نتیجه بازی‌های جام جهانی شرط‌بندی کردند و گاه نیز در این راه شهرت بسیاری کسب می‌کردند. جام جهانی بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان بهانه‌ای شد تا بازار کار جادوگران و پیشگویان ورزشی بار دیگر رونق گیرد. اما این بار در صدر پیشگویان نتیجه بازی‌ها، هشت‌پای معروف آلمانی، پل پیشگو، بود که با پیشگویی درست بازی‌های تیم آلمان در طول جام همه را حیرت‌زده کرد؛ موجودی که باعث شد در سرتاسر جهان موضوع به کارگیری انواع حیوانات و موجودات برای پیشگویی داغ شده و از دلفین‌ها، لاک‌پشت‌ها و طوطی‌ها و سایر حیوانات هم در این راه بهره‌گیری شود. استفاده‌هایی که در پس آنها هدف‌های سودجویانه پرورش‌دهندگان این موجودات خفته بود. آنقدر بازار پیشگویی حیوانات در سرتاسر جهان رونق گرفت که سازمان‌های دوستدار محیط زیست و حامی حیوانات لب به اعتراضات گسترده‌ای گشودند اما حتی این اعتراضات هم کارساز واقع نشد و هر روز نام‌های جدیدی از انواع حیوانات پیشگو در صدر خبرهای جام جهانی شنیده می‌شد. نام‌هایی که به سرعت شهرتی جهانی یافتند و همه به انتظار پیشگویی‌هایشان نشستند و باعث شدند بار دیگر خرافه‌ها و به کارگیری نیروهای متافیزیکی برای پیش‌بینی نتایج جام جهانی رواج پیدا کند تا جایی که حتی بسیاری از تیم‌های متمدن دنیا هم سعی در به کارگیری جادوگران در کادر تیمی خود کردند.

پیشگویی نتایج در این جام

استارت اولیه را به صورت رسمی تیم ملی آفریقای‌جنوبی زد و با کمک گرفتن از یک جادوگر زن که شهرت بسیاری در قاره سیاه داشت، توانست بازی آخر مرحله گروهی را با پیروزی برابر تیم ملی فرانسه به پایان برساند و بعد هم نام پل پیشگوی کبیر آلمان در صدر خبرها درخشید و این هشت‌پای آلمانی را در دنیای جادوگران جام نوزدهم معروف کرد. او یکی از اعجوبه‌های جام نوزدهم محسوب می‌شود. این هشت‌پای عجیب که «پل» نام دارد متولد شهر ویموت در غرب انگلستان است و در حال حاضر در آکواریومی در شهر اوبرهاوزن آلمان زندگی می‌کند. او دو سال قبل و در طول بازی‌های جام ملت‌های اروپا در سال ۲۰۰۸ توانست نتایج ۸۰ درصد از بازی‌های تیم ملی آلمان را به درستی پیشگویی کند و حالا در رقابت‌های جام جهانی این هشت‌پا در دو مسابقه آلمان در مرحله مقدماتی، یک مسابقه این تیم در یک هشتم نهایی و یک مسابقه در یک چهارم نهایی، پیش‌بینی کرده بود آلمان برنده می‌شود. اولین مسابقه‌ای که هشت‌پا پیش‌بینی‌ای مبنی بر شکست آلمان کرد بازی مقابل صربستان در دور مقدماتی بود که این اتفاق هم رخ داد و پس از آن در بازی مقابل اسپانیا بار دیگر پیش‌بینی شکست آلمان در برابر این تیم درست از آب درآمد و خلاصه تیم ملی کشور آلمان با پیش‌بینی‌های پل توانست به مقام سوم در جام جهانی نوزدهم برسد هر چند بسیاری این تیم را حتی لایق قهرمانی هم می‌دانستند. پل روش پیش‌بینی‌اش به این صورت است که دو ظرف غذا را که روی یکی از آنها پرچم آلمان و روی دیگری پرچم تیم حریف دیده می‌شود برای او در آکواریوم می‌گذارند و سپس او از هر کدام از ظرف‌ها که غذا بخورد، همان تیم برنده می‌شود. او بارها به خاطر پیش‌بینی‌هایش مورد توهین هواداران قرارگرفته و گاه هم این هواداران متعصب او را تهدید به از دست دادن جانش کرده‌اند. هواداران انگلیس و آرژانتین که از پیش‌بینی او عصبانی شده بودند به تمسخر و توهین پرداختند اما پس از به وقوع پیوستن پیش‌بینی هشت‌پا تنها در حسرتی وصف‌ناشدنی فرو رفتند. طرفداران متعصب آلمانی هم پس از پیش‌بینی باخت تیم ملی کشورشان در برابر تیم اسپانیا پل را تهدید کردند که او را خواهند کشت. آنها گفتند او را کباب کرده و خواهند خورد.

و اما پیش‌بینی پل برای بازی فینال نظرهای بسیاری را به خود جلب کرده است. در حالی که بسیاری از جادوگران مطرح دنیا هلند را فاتح جام نوزدهم معرفی می‌کردند اما این هشت‌پای مشهور اسپانیا را فاتح جام دانست و به این ترتیب در تمام پیش‌بینی‌هایش در جام نوزدهم موفق بود. هر چند او تنها در پیش‌بینی بازی‌های آلمان تخصص دارد. پس از پیشگویی درست او درباره قهرمانی اسپانیایی‌ها یک شرکت اسپانیایی برای خرید پل ابراز تمایل کرد. شرکت‌های مختلفی از شهر اورنسن اسپانیا، پیشنهاد ۳۰ هزار یورویی را برای خریداری پل پیشگو، هشت‌پای سرشناس آلمانی، ارائه داده‌اند. مسوولان این شرکت‌ها قصد دارند با خریداری پل، او را مبدل به سمبل این منطقه کنند و در نمایشگاه هشت‌پا او را به نمایش بگذارند. کارلوس مونتس شهردار منطقه کاربانیو، در منطقه اورنسن اسپانیا در صحبت‌هایی اعلام کرده این ایده توسط شرکتی در این منطقه مطرح شده که حاضر بود برای خرید این هشت‌پا ۱۰ هزار یورو پرداخت کند ولی در ساعت‌های اخیر، شرکت‌های دیگری نیز در منطقه اعلام کردند آماده‌اند تا با پرداخت ۳۰ هزار یورو برای خریداری پل، هشت‌پای معروف، وارد عمل شوند. در صورتی که این اتفاق نیفتد و شرکت‌های اسپانیایی در خریداری جناب هشت‌پای آلمانی ناکام بمانند، سعی خواهند کرد در طول یک هفته‌ای که نمایشگاه هشت‌پا در کاربانیو برگزار می‌شود، پل را به این منطقه بیاورند و او را به عنوان سمبل این نمایشگاه به کار گیرند. ساپاته‌رو نخست‌وزیر اسپانیا هم در حمایت از پل گفته است: «لطفاً او را خیلی سریع به کشور ما بفرستید، قدم او روی چشم ماست!»

پیشگویانی به تقلید از هشت‌پای کبیر آلمان در سرتاسر دنیا

همان طور که طی روزهای جام جهانی نظرها بیشتر به پل جلب می‌شد بسیاری به فکر به کارگیری نمونه‌های دیگر حیوانات برای پیشگویی افتادند. هنوز مدت زیادی از پخش شدن خبر پیشگویی‌های درست پل نگذشته بود که سخن از نمونه‌ای دیگر از پیشگویی حیوانی دیگر به میان آمد. ابتدا این ماجرا با طوطی از سنگاپور شروع شد و بعد ادعای پیشگویی حیوانات مثل واگیری در سرتاسر جهان همه‌گیر شد و همه پرورش‌دهندگان انواع حیوانات را به فکر سودجویی و کسب شهرت و پول انداخت. چندی بعد، خبر از پیشگویی خوکچه‌ای هندی در پرو رسید و سپس حرف از لاک‌پشتی در آرژانتین به میان آمد. هنوز مدت زیادی نگذشته بود که هلندی‌ها ادعا کردند نمونه ماده هشت‌پایی مشابه پل را برای پیشگویی در کشور خود به کار می‌برند و بعد از مدتی کوتاه مردی در استانبول ادعا کرد یکی از خویشاوندان نزدیک پل پیشگو را به حراج گذاشته است. این خبرها آنقدر ادامه یافت که دیگر کمتر کسی از شنیدن پیشگویی دلفین‌ها و میمون‌ها و خرچنگ‌هایی که از سراسر جهان شروع به پیش‌بینی نتیجه مسابقات کرده بودند، حیرت می‌کرد. اما با این همه پیشگویان عجیب و غریب از انواع حیوانات دو نمونه اول یعنی هشت‌پای آلمان و طوطی سنگاپور بیشترین شهرت را کسب کرده‌اند. این طوطی هم پیش‌بینی‌های درستی داشت و تمامی بازی‌های یک‌چهارم نهایی را به درستی پیش‌بینی کرد. طریقه پیش‌بینی این طوطی به این صورت است که کارت‌هایی با تصویر پرچم کشورها را مقابل او نگه می‌دارند و او کارت دارای پرچم برنده مسابقه را با نوکش می‌گیرد. او با این روش توانسته تاکنون شهرت بسیاری کسب کند و بعد از اختاپوس آلمانی‌ها معروف‌ترین پیشگوی این جام باشد. نکته جالب در مورد این طوطی عدم توافق نظرش با پیشگوی کبیر آلمان در رابطه با نتیجه بازی فینال است، هرچند هشت‌پا اسپانیا را برنده اعلام کرده بود اما طوطی سنگاپوری هلند را برنده دیدار نهایی جام جهانی نوزدهم آفریقای جنوبی دانسته بود.

تاریخچه استفاده از حیوانات در پیشگویی

استفاده از حیوانات برای پیشگویی اتفاقات آینده سابقه طولانی‌ای در تاریخ دارد. اعتقاد به توانایی حیوانات در پیشگویی آینده از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که بعضی از حیوانات می‌توانند تغییراتی را حس کنند که انسان قادر به شناسایی آنها نیست. این اعتقاد از دیرباز در بین ملل مختلف جهان وجود داشته و باعث شده انسان‌ها در مواردی از توانایی‌های گاه واقعی و در بعضی از اوقات خیالی حیوانات برای پیشگویی آینده بهره گیرند. ریشه استفاده از قابلیت‌های خارق‌العاده حیوانات به دوران بابلی‌ها، یونانیان و مصری‌ها بازمی‌گردد. در این سرزمین‌ها از راه جگربینی برای پیشگویی اتفاقات و حوادث آینده استفاده می‌شده است؛ روشی که هر چند خلاف حقوق حیوانات به نظر می‌رسد اما گویا افراد بسیاری در آن زمان بر آن اعتقاد داشته‌اند. جگربینی شکلی از پیشگویی در دوران باستان بوده که با بررسی شکل اعضای درونی مانند قلب و جگر حیوانات اتفاقات آینده را پیش‌بینی می‌کردند. برای مثال بعضی از نشانه‌ها در این اندام نشان‌دهنده به وجود آمدن فاجعه‌های طبیعی یا غیرطبیعی در آینده بوده است. این اعتقاد در بین بسیاری از مردم وجود دارد که بعضی از حیوانات مانند مارها می‌توانند حوادث طبیعی مانند زمین‌لرزه‌ها یا سونامی‌ها را پیش‌بینی کنند. نظریه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد حیوانات می‌توانند لرزش‌های زمین یا تغییرات آب و هوایی را احساس کنند. به طور مثال بارها شنیده‌ایم که صدای دسته‌جمعی کلاغ‌ها خبر از وقوع اتفاقی بد دارد یا قرن‌هاست که این اعتقاد وجود دارد که دراز کشیدن گاوها نشانه بارش باران است.

حیواناتی با توانایی‌های خارق‌العاده

پل اولین و تنها موجود خارق‌العاده دارای توانایی‌های ماورای طبیعی نیست. حیوانات بسیاری در سرتاسر جهان وجود دارند که گاه چندان هم شناخته شده نیستند اما به درستی قابلیت‌هایی دارند که همگان را به شگفتی وامی‌دارند. برای مثال گربه‌ای به نام اسکار امسال تیتر خبری بسیاری از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها شد. این حیوان می‌تواند زمان مرگ افرادی را که در مرکز پرستاری و توانبخشی استریت‌هاوس در ایسلند نگهداری می‌شوند، پیش‌بینی کند. این گربه با حلقه زدن در کنار بیماران، اعلام می‌کند فرد مورد نظر تا چند ساعت آینده خواهد مرد. این گربه تاکنون به درستی ۵۰ مرگ را پیش‌بینی کرده و با این قابلیت شگفت‌انگیز، بسیاری را متعجب کرده است. نمونه دیگری از این حیوانات خارق‌العاده، سگی است که به تازگی از توانایی خارق‌العاده آن پرده برداشته شده است. این سگ می‌تواند جنسیت کودکان را قبل از تولدشان پیشگویی کند. همچنین صحبت از حیواناتی که توانایی پیشگویی زلزله‌ها را دارند و با این توانایی خود جان بسیاری از افراد را نجات می‌دهند هم موضوع جدیدی نیست.

آیا پل واقعاً پیشگو است

این هشت‌پای عجیب آنقدر خبرساز شده که بسیاری در تلاش هستند ببینند آیا او واقعاً توانایی خارق‌العاده در پیشگویی دارد یا خیر.

هر چند بسیاری از افراد این هشت‌پای عجیب را پیشگویی با قدرت ماورای طبیعی دانسته‌اند اما بسیاری هم این موضوع را تنها کلکی از پیش تعیین شده می‌دانند و پل را موجودی عادی و بدون هیچ گونه توانایی فوق‌العاده دانسته و به پس پرده پیشگویی‌هایش می‌اندیشند. هشت‌پا به سمت غذای بهتر می‌رود یا پرچم کشورها؟ این سوال از اولین روزی که خبر پیشگویی‌های اعجاب‌انگیز پل سرتیتر خبرگزاری‌های مهم ورزشی دنیا شد همواره در ذهن برخی از افراد مطرح بوده است. کسانی که هر چند با دیدن پیشگویی‌های پیشگوی کبیر آلمان‌ها و تطابق آن با نتایج بازی‌ها تعجب کرده‌اند اما قصد دارند ریزبینانه‌تر به پشت پرده این جادوگری جدید بیندیشند. آیا به واقع امکان دارد در پس پرده این همه هیاهو در رابطه با پیشگویی‌های پل چیزی جز نیروی ذاتی این حیوان برای پیشگویی نهفته باشد؟ و آیا امکان دارد بتوان هشت‌پا را به سمت پرچم کشوری خاص سوق داد؟ آیا می‌توان در ارتباط با یکی نبودن محتویات ظرف‌ها مشکوک بود؟ آنچه از لحاظ علمی می‌تواند درست به نظر برسد همین فرضیه است که مسوولان آکواریوم بنا بر خواست خود غذایی را که دارای جذابیت بیشتری برای هشت‌پا است در ظرفی بریزند که پیش‌بینی می‌کنند احتمالاً برنده بازی است. از لحاظ منطقی تنها عاملی که می‌تواند انتخاب هشت‌پا را تحت تاثیر قرار دهد لذیذتر بودن غذاهاست و نه چیز دیگری. هشت‌پا در کشیده شدن به سمت ظرفی که پرچم کشورهای مختلف را دارد، اراده‌ای از خود نشان نمی‌دهد و این جانور مثل هر موجود گرسنه دیگری، تنها به سمت غذا می‌رود و برایش مهم نیست ظرفی که از داخل آن غذا برمی‌دارد چه رنگی باشد. این نوع استفاده از حیوانات را می‌توان تنها راهی جدید برای پیشگویی خلاق تصور کرد که به جای حضور روی صحنه سعی بر این داشته که از حیوانی با جذابیت و بی‌طرف برای پیشگویی‌هایش بهره گیرد اما حقیقت این است که چه این هشت‌پا زاییده فکر خلاق پیشگویی معمولی بوده باشد و چه اینکه به خودی خود موجودی استثنایی باشد اما در هر صورت بهتر از هر جادوگر دیگری توانسته خود را در بین فوتبال‌دوستان مطرح کند. پل هشت‌پا توانست شهرت جهانی پیدا کند و حتی تلویزیون آلمان در زمان پیشگویی او صحنه را به طور زنده گزارش می‌کرد. همچنین چند نشریه معتبر از جمله هفته‌نامه تایم هم متنی از مصاحبه‌ای خیالی با او را چاپ کردند. نام پل پیشگو حتی به یکی از نام‌هایی تبدیل شد که در این مدت هواداران فوتبال بیشترین جست‌وجو را در مورد او انجام دادند. جام جهانی نوزدهم با حضور پل پیشگو هیجان بیشتری به خود گرفت تا بسیاری از رسانه‌ها در پایان این جام او را ستاره جام جهانی ۲۰۱۰ معرفی کنند. این در حالی است که یک گروه حامی حقوق حیوانات به نام «پتا آلمان» خواستار آزادی پل شده و درخواست کرده پیشگوی آبزی فوتبال را به آب‌های حفاظت‌شده پارک ملی جنوب فرانسه انتقال دهند؛ جایی که صید در آن ممنوع است و هشت‌پا باید آنجا ادامه حیات بدهد. شاید این تصمیم بهترین تصمیم ممکن برای پل پیشگو باشد.

یادداشت

بیژن ذوالفقارنسب

ورزش جای خوبان است

در کنار حجم عظیمی از وقایع متن و حاشیه جام جهانی فوتبال نمی‌دانم مجال و حوصله‌ای برای پرداختن به یک نکته ظریف، اما به نظر اینجانب بسیار حساس و مهم، است یا خیر؟ ابتدا و در کسوت یک معلم می‌گویم که اعتقاد کامل دارم در زندگی انسان ارزش‌هایی وجود دارد که هرگز نباید آنها را نادیده گرفت یا از دست داد. هر چقدر ممکن است گاه ناخواسته مورد تهدید و تهاجم واقع شده یا در مبارزات و عملکردهای زندگی موقتاً تضعیف شود. ارزنده‌ترین ارزش‌ها، شخصیت، اعتبار و آبروی انسان است. هدر دادن سرمایه مادی خیلی بد و مخرب است، اما باعث سرافکندگی نمی‌شود، زیرا جایگزین کردن آن امکان‌پذیر است، اما منزلت آدمی و جایگاه انسانی هرگز نباید دستخوش حوادث و سهل‌انگاری‌ها شود و باید به اندازه نفس حیات و زندگی از آن مراقبت به عمل آید. کلیه مربیان حاضر در مسابقات جام جهانی اخیر با عملکردشان در کنار تیم‌های خود، ناکامی‌ها و پیروزی‌هایی را به نام خود رقم زدند و رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های تصویری بسیار تلاش کردند واکنش آنان را در قبال نتیجه ثبت‌شده با دوربین‌های خود و از زوایای مختلف ضبط و پخش کنند، تا به این وسیله شخصیت اصلی و واقعی مربی را به تصویر درآورند و در عمل در مقابل دیدگان صدها میلیون نفر در گستره گیتی به نمایش بگذارند. من از مشاهده حرکت و منطق ریمون دومنک مربی ۵۸ ساله فرانسوی که دستی هم در تئاتر و مسائل فرهنگی دارد و به اصطلاح از افراد روشنفکر (ANTILLICTVIL) فرانسه نیز هست متعجب و متاثر شدم؛ زیرا در پایان مسابقه فرانسه و آفریقای جنوبی که نتیجه بازی را تیم فرانسه واگذار کرده بود، به دلیل باخت یا هر توجیه دیگر حاضر نشد با مربی کهنه‌کار برزیلی‌الاصل آفریقای جنوبی آقای کارلوس آلبرتو براساس عرف ورزشی دست بدهد و از دست دادن با وی امتناع کرد. به یقین آقای دومنک در پایان بازی و با این عمل خود نه فقط نتیجه مسابقه را واگذار کرده بود بلکه اعتبار و آبروی ورزشی- اجتماعی خویش را هم حراج کرد و در اصل شخصیت پنهان‌شده خود را به نمایش گذاشت؛ ضرری که به آسانی جبران نخواهد شد. یکی از ویژگی‌ها در ورزش قهرمانی این است که کسی نمی‌تواند مادام‌العمر در زندگی نقش بازی کند زیرا فوتبال عین زندگی است و کسی در زندگی نمی‌تواند از واقعیت فرار کند. زندگی خوب و شرافتمندانه دراختیار آدم‌هایی است که پرتلاش، صادق، هدفمند، آگاه و قائل به احترام به حقوق دیگران هستند. ورزش همیشه جای خوبان است و خوشبختانه این توان ذاتی در ورزش نیز هست که عیار شخصیت‌ها را به بهترین شکل ممکن مشخص کند.

یادداشت

کامبوزیا پرتوی

گلادیاتورها در آفریقای جنوبی

هرچیزی که بخواهد به عنوان یک هیجان عامی تلقی شود چندان دوست‌داشتنی نیست. شاید به همین خاطر است که ورزش را دوست دارم اما فوتبال را نه. ورزش را دوست دارم چرا که یادگاری است باقیمانده از یونان باستان؛ المپیک با پنج حلقه رنگی کنار هم که قرار گرفتن اقوام گوناگون را به رخ‌مان می‌کشد. دیدن ملت‌ها کنار هم لذت‌بخش است و این آیین به ارث رسیده از کشور فلاسفه یعنی یونان است.

جام جهانی و مسابقات فوتبال را دوست ندارم، به خاطر پیش‌زمینه ذهنی من در مورد گلادیاتورها. فوتبالیست‌ها برای من همان خاطره گلادیاتورهای روم باستان را زنده می‌کنند. برخلاف روم باستان که با فلسفه و تئاتر برایم ارزشی بالا دارد، فوتبال را به خاطر هیجان‌های عامه، به خاطر شرط‌بندی‌ها و به خاطر خشونت‌های بی‌دلیلش دوست ندارم. خشونت و شرط‌بندی و هیجانات کاذب در فوتبال هم مثل یک رسم دیرینه از دوران گلادیاتورها وارد فوتبال شده و نسل به نسل ادامه پیدا کرده است. گاهی یکی از اشراف روم باستان گلادیاتوری را در خدمت می‌گرفت یا خریداری می‌کرد و او را در مقابل گلادیاتوری قرار می‌داد که آن هم از سوی اشراف‌زاده دیگر خریداری شده بود. گلادیاتورها تا حد مرگ با هم می‌جنگیدند اما در فوتبال تا حد حیثیت. آن چیزی که در تئاتر روم باستان وجود داشت تفکرات فلسفی بود و جالب توجه این است که این تفکرات فلسفی در نبرد گلادیاتورها به هیچ وجه وجود ندارد. در نبرد گلادیاتورها تنها هیجان بود و هیجان. حال در مسابقات فوتبال هم فقط یک حس عامه وجود دارد و آن هم هیجان است.

به یک نکته در رابطه با حضور گلادیاتورها و تئاتر باید توجه کرد. اینکه تئاتر یونانی‌ها بسیار باارزش‌تر از تئاتر رومی‌ها بوده و شاید علتش وجود رگه‌هایی از خشونت گلادیاتورها در نمایشنامه رومی‌ها است. تئاتر رومی‌های باستان مهیج‌تر بوده و گاهی در آن فریاد و هیجان وجود داشته است.

به گمان من یکی از دلایلی که هیچ‌گاه نتوانستم با فوتبال ارتباط برقرار کنم، یا تحقیق و جست‌وجویی درباره آن انجام دهم، همین مواردی بود که در بالا ذکر کردم. مساله فوتبال گاهی یک مساله سیاسی است، گاهی یک مساله تفریحی و گاهی کلاً از اهداف خود دور می‌شود. ما نمونه بارز این مساله را در مسابقات جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی به وضوح دیدیم. ما سیاسی بودن این جام جهانی را چشیدیم. ما دیدیم که دولت‌ها به راحتی به فوتبال یک بعد سیاسی تزریق کردند، مثلاً به بازیکنان تیمی مثل کره شمالی می‌گویند به خاطر باخت کارگر معدن شوند، یا تیمی به خاطر حذف شدن تهدید به جریمه مادی می‌شود و... این فوتبال دیگر یک فوتبال تیمی با اهداف ناب خودش نیست چرا که دولت‌ها می‌خواهند در آن دخالت کنند.

من مخالفتی با فوتبال و هیجان ندارم. اتفاقاً افرادی که نگران یک تیم هستند، آن را با لذت می‌بینند، ناراحت و خوشحال می‌شوند، برایم جالب هستند اما خودم لذتی نمی‌برم. من هیجانی را که به سختی به دست بیاید دوست دارم، نه هیجانی که آسان به وجود آید. به طور مثال هیچ‌گاه خشونت و فریاد گلادیاتوری در فیلم‌های دراماتیک وجود ندارد اما ما تمام زمان تماشای آن فیلم هیجان و دغدغه داریم و این همان هیجانی است که به سختی به دست می‌آید.

خبر

۸۷ درصد آلمانی‌ها خواهان ادامه حضور یواخیم لو هستند

در یک نظرسنجی که روز جمعه به عمل آمد، مشخص شد بیشتر آلمانی‌ها خواهان ادامه حضور یواخیم‌لو در سمت سرمربیگری تیم ملی کشورشان هستند. لو در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۰ موفق شد تیم فوتبال آلمان را به عنوان سومی رقابت‌ها برساند که این امر رضایت آلمانی‌ها را به دنبال داشت. در یک نظرسنجی به عمل آمده، ۸۷ درصد آلمانی‌ها خواستار ادامه حضور وی شدند و فقط چهار درصد از شرکت‌کنندگان رای به رفتن این مربی دادند. ۹ درصد از شرکت‌کنندگان هم گفتند در این خصوص نظری ندارند. لو هنوز مشخص نکرده که آیا می‌خواهد به حضور خود در تیم فوتبال آلمان ادامه دهد یا خیر، اما رئیس فدراسیون فوتبال آلمان گفته علاقه‌مند است قرارداد این مربی را تمدید کند. تئو سوان‌سیگر گفت: فکر نمی‌کنم رقابت‌های جام جهانی عاملی باشد تا او بخواهد مبلغ قرارداد را بالا ببرد.

ادامه از صفحه ۱۳

خاطره مالاندروهای غمگین من

۱۰ سال‌ها است که جواد خیابانی سیبل تمام انتقادات ورزشی‌نویس‌ها به گزارشگران تلویزیونی است. من منکر انتقادات نیستم اما یک نکته برایم عجیب است. دوستان ورزشی‌نویس آیا گزارش این نسل جدید گزارشگران را که اتفاقاً در مرحله گروهی جام جهانی حضوری پررنگ داشتند، شنیده‌اند؟ بیایید با خود صادق باشیم، با پذیرش تمام عیوب جواد خیابانی باید گفت اینها خیلی از خیابانی پرایرادترند. خیلی زیاد. شاید بد نبود اگر به جای گیرهای همیشگی به خیابانی، دوستان کمی هم در احوالات گزارش‌های اسفناک نسل نو دقیق می‌شدند.

۱۱ در برنامه یک جهان یک جام، شبی حمیدرضا صدر، عادل فردوسی‌پور و هوشنگ نصیرزاده بر سر بدیهیات بحث می‌کردند! گاهی فکر می‌کنم دوستان علاقه‌مند هستند دوباره چرخ را اختراع کنند یا بر کشف آتش اهتمام بورزند! ماحصل دو ساعت بحث داغ این بود: در فوتبال جهان پدیده‌ای به نام تبانی وجود دارد و البته این به آن معنا نیست که تمام فوتبال دنیا تبانی است! این مساله کجایش نامکشوف بود؟ چه نکته بدیعی در این همه بحث نهفته بود؟ چند نفر در سراسر کره ارض پیدا می‌کنید که نسبت به این مساله وقوف نداشته باشند؟ جالب‌تر از همه این بود که رضا جاودانی که گرداننده بحث بود، نسبت به این جدل در مورد امری بسیار بدیهی کلی احساس شعف و ذوق‌زدگی داشت!

موخره: این مطلب را در روز یکشنبه سیزدهم تیر، یعنی فردای بازی‌های مرحله یک‌چهارم نهایی نوشته‌ام. بی‌شک بازی‌های نیمه‌نهایی، فینال و رده‌بندی نیز نکات فراوانی خواهد داشت. این موخره را کلاً برای ثبت در تاریخ آوردم!